

دور العوائل المحليّة النافذة في التنمية الحضريّة، و المركزيّة

السياسيّة لشوشتر في خوزستان في العهد الصفوي

حميد أسد پور^١

مسعود ولي عرب^٢

تعتبر مدينة شوشتر إحدى أهم مدن خوزستان في العصر الصفوي، و نظراً لموقعها الجغرافي، العسكري، و الاستراتيجي، فقد اختيرت أن تكون مقراً لحاكم خوزستان. و قد ساهم إعمار القرى الجديدة، من قبل الحكام الصفويين المحليين في شوشتر والمناطق حولها، إلى ازدهار و تطوّر هذه المدينة. أدت هجرة القبائل و العشائر المختلفة إلى شوشتر - كالأتراك القزلباش (أمثال: شاملو، روملو، آفشار، استاجلو، التركمان، و ذو القدريّة)، عوائل الجغتائي، الشركس، الجورجيّة، كبار علماء جبل عامل، السادات الجزائريين، والسادة آل كلنتر إلى حصول توترات عرقيّة و ديموغرافيّة، كما أثرت الكوراث الطبيعيّة في البلاد كالسيول، على حدوث بعض الانعكاسات السلبية على الأوضاع السياسيّة و الاجتماعيّة في شوشتر.

١. أستاذ مساعد وعضو الهيئة العلميّة في جامعة خليج فارس في بوشهر:

.assadpour22@gmail.com

٢. طالب دكتوراه في تاريخ إيران بعد الإسلام في جامعة خليج فارس في بوشهر:

m.valiarab@yahoo.com

تحاول هذه المقالة تقديم صورة عن الوضع السياسي و الاجتماعي لشوشتر في تلك الحقبة، كما تبين دور العوائل النافذة و صاحبة السلطة في المدينة، التي كانت بعنوان المركز السياسي لخوزستان.

تشير نتائج هذا البحث إلى الدور المؤثر للعوائل النافذة كالسادة، و ذوى الأصول التركيّة، و الجورجيّة، في التطورات السياسيّة، و تنمية المدينة، و ذلك بالاستناد إلى النقاط المرتبطة بالأصول العرقيّة، المنافع الطائفية، الشأن الوظيفي، القيم المذهبيّة و الاجتماعيّة.

الكلمات الرئيسية: شوشتر، الصفويّة، العوائل النافذة، خوزستان، التنمية الحضريّة.

پښتونخواه علمون انساني و مطالعات فرينجني
پرتال جامع علمون انساني

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و پنجم

بهار ۱۴۰۰

نقش خاندان‌های پرنفوذ و صاحب منصبان محلی در توسعه شهری و مرکزیت

سیاسی شوشتر در خوزستان عهد صفوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۲/۱۹

^۱ حمید اسدپور

^۲ مسعود ولی عرب

شوشتر، یکی از مهم‌ترین شهرهای خوزستان در عصر صفوی بود که به سبب موقعیت جغرافیایی، نظامی و راهبردی آن به عنوان حاکم‌نشین خوزستان انتخاب شد. احداث روستاهای جدید در شوشتر و پیرامون آن به دست حاکمان محلی صفوی موجب رونق بیشتر این شهر گردید. ورود اقوام و طایفه‌های مختلف ترکان قزلباش (شاملوها، روملوه‌ها، افشارها، استاجلوه‌ها، ترکمان، ذوالقدر)، خاندان جغتایی، چرکس‌ها، گرجی‌ها، مشایخ بزرگی از منطقه جبل عامل، سادات جزایری و سادات کلانتر به شوشتر در آن روزگار، تنش‌های قومی و جمعیتی فراوانی در این شهر به وجود آورد و در پایان این دوره، بلایای طبیعی هم‌چون سیل، تأثیری منفی بر اوضاع سیاسی و اجتماعی شوشتر گذاشت. این پژوهش سعی دارد تصویری از موقعیت سیاسی و اجتماعی شوشتر

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر: (assadpour22@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام از دانشگاه خلیج فارس بوشهر: (m.valiarab@yahoo.com).

ارائه کند و نشان دهد خاندان‌های پرنفوذ چگونه در این شهر به عنوان مرکز سیاسی خوزستان آن دوره، نقش ایفا می‌کردند؟ یافته‌های این پژوهش نشان‌گر آن است که خاندان‌های متنفذ سادات، ترک‌تباران و گرجی‌تباران با توجه به مقوله‌هایی مانند خاستگاه قومی، منافع طایفه‌ای، جایگاه شغلی و ارزش‌های مذهبی و اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در تحولات سیاسی و توسعه این شهر داشته‌اند.

کلیدواژگان: شوشتر، صفویه، خاندان‌های پرنفوذ، خوزستان، توسعه شهری.

۱. مقدمه

شوشتر در دوره صفوی دارای ترکیب جمعیتی و قومیتی مختلفی بوده است که از آغاز دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق.) تا پایان این عهد، مهاجران جدید، تأثیر فراوانی در مسائل سیاسی و اجتماعی این شهر گذاشتند. شوشتر در عهد شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ه.ق.) در پرتوی قدرت‌های محلی مشعشعیان هویزه (۸۴۵-۹۱۴ ه.ق.) و رعناشیان دزفول (۹۱۴-۹۴۹ ه.ق.) قرار داشت. بر اساس منابع محلی، خاندان سادات مرعشی در دوره شاه اسماعیل در شوشتر حضور داشتند و به عنوان کانون مذهبی و شیعی، شوشتری‌ها را در جهت تحول مذهبی از سنت به تشیع هدایت می‌کردند.

در دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق.) با قدرت‌گیری قزلباش، حاکمان محلی شوشتر از طوایف قزلباش به خصوص افشارها (گندزلوها و آرشلوها)^۱ (۹۳۲-۱۰۰۸ ه.ق.)، روملوها، شاملوها، استاجلوه‌ها، ترکمان و ذوالقدر انتخاب می‌شدند. در دوره شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق.)، نیروی‌های چَرکِس (۱۰۰۸-۱۰۳۸ ه.ق.) در شوشتر به قدرت رسیدند. در دوره شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.) نیروی‌های گرجی با ورود خاندان واخوستی خان،

1. Gondozlo. Arashlo.

گرگین بیگ و ایلدرم چرکس سه گانه قدرت را در شوشتر تشکیل دادند. خاندان واخوستی خان از سال ۱۰۴۲ تا ۱۱۴۴ ه.ق. در شوشتر قدرت سیاسی را در اختیار داشتند.^۱ در شوشتر دوره صفوی سادات تلغری، مرعشی، جزایری و کلانتر حضور داشتند و به امور مذهبی و شرعی شوشتر می پرداختند. علاوه بر این، بعضی از سادات به خصوص، مرعشی ها و تلغری ها به امور اقتصادی و کشاورزی می پرداختند و املاک فراوانی داشتند.^۲ خاندان های علی النجار، شرف الدین و گرگری از خاندان های معروف این دوره بودند که به فعالیت مذهبی می پرداختند.^۳

اگر حضور اعراب آل مُشعشع و آل کثیر و حضور بختیاری ها در شوشتر را در دوره صفوی در نظر بگیریم و مهاجران از دزفول به خصوص خاندان کلانتر را به شمار آوریم، تنش های قومی و جمعیتی میان ترکان قزلباش (افشارها، روملوهها، شاملوهها، استاجلوهها، ذوالقدر)، چرکس ها، گرجی ها، سادات (مرعشی، جزایری، تلغری، کلانتری)، اعراب آل مشعشع و آل کثیر و جماعت بختیاری، فراز و فرودهایی در شوشتر عهد صفویه به وجود آوردند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره شوشتر، پژوهش هایی صورت گرفته است که مهم ترین آن ها، تذکره شوشتر (۱۱۷۳ ه.ق.) نوشته سید عبدالله جزایری در سال ۱۱۶۹ ه.ق. و *تحفة العالم* (۱۲۲۰ ه.ق.) نوشته میرعبداللطیف خان شوشتری در سال ۱۲۱۶ ه.ق. است. هم چنین، احمد کسروی (۱۳۲۴) در *تاریخ پانصد ساله خوزستان* و سید محمدعلی امام اهوازی (۱۳۷۷) در *تاریخ*

۱. جزایری شوشتری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۱-۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۱۱-۱۱۷.

۳. سید محمد جزایری، *تابغه فقه و حدیث*، ص ۴۰۱-۴۰۳.

خوزستان، اشاره‌هایی به تاریخ شوشتر کرده‌اند. شوشتر در گذر تاریخ نوشته محمد تقی‌زاده، جغرافیای شوشتر و آثار و آینه آن را در بر دارد.^۱ شوشتر یعنی خوبتر، نوشته اکرم مرید شوشتری که به طور اجمالی به بررسی وجه تسمیه و ابنای شوشتر پرداخته است.^۲ شجره طیبه (شجره مبارکه) نوشته سید محمد جزایری که بیشتر درباره خاندان سادات جزایری است.^۳ شجره خاندان مرعشی، نوشته سید علی‌اکبر مرعشی که بیشتر در زمینه نسب‌نامه خاندان سادات مرعشی شوشتر است.^۴

۳. بافت جمعیتی و خاندان‌های متنفذ شوشتر در آغاز دوره صفوی

تشکیل دولت صفویه در ایران در قالب یک دولت شیعه دوازده امامی، یکی از پرجاذبه‌ترین فصول تاریخ اسلام و ایران است؛ زیرا پیروان این مذهب به مدت نه قرن به مبارزه بی‌امان خود ادامه دادند تا این که مذهب شیعه، دین رسمی ایران اعلام شد. یکی از اقدامات مهم شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ه.ق.) تعامل میان ایرانیان (تاجیک) با ترکمن‌ها (قزلباش) بود. در صدر اسلام، وسعت شوشتر بیشتر بود.^۵ در ابتدای عصر صفویه، شاه اسماعیل اول بعد از به قدرت رسیدن، تصمیم گرفت شورش‌های مختلف را در سراسر کشور سرکوب کند. در ایالت خوزستان در این دوره، مشعشعیان قدرت‌مند بودند. حکومت مشعشعی از

۱. محمد تقی‌زاده، شوشتر در گذر زمان.

۲. اکرم مرید شوشتری، شوشتر یعنی خوبتر.

۳. سید محمد جزایری، شجره مبارکه.

۴. سید علی‌اکبر مرعشی، شجره نامه خاندان سادات مرعشی.

۵. شامل مناطقی هم‌چون شهرهای عسکر مکرم، گتوند، عقیلی، دشت بزرگ، هفت شهیدون و جلیعه بود و تا نزدیکی‌های سیامنصور ادامه داشت. بنا بر اسناد به جا مانده از خاندان گرجی تبار واخوشتی‌خان که حاکمان شوشتر در سال‌های (۱۰۴۲-۱۱۶۷ ه.ق.) بودند، املاک و زمین‌های بسیار زیادی در مناطق فتح آباد، نجف آباد، شاه آباد و حتی شمس آباد، تحت اختیار حاکم شوشتر بوده است.

۸۴۵.ق. شکل گرفته بود. در دوره سید محمد بن فلاح (۸۷۰.ق.) بنیان‌گذار این حکومت و فرزندش، مولا علی اندیشه‌های غالی‌گری گسترش یافت، اما در دوره سلطان محسن (۹۰۵-۸۷۰.ق.) حکومتی میانه رو محسوب می‌شدند. تاریخ نگاران محلی شوشتر، دیدگاه مناسبی نسبت به سلطان محسن دارند و در این باره می‌نویسند:

چون سلطان محسن بن محمد خلیفه شد، تمامی خوزستان او را مسلم گردید و فتنه‌ها فرو نشست و قلعه محسنیه و شهر جدید حویزه از آثار اوست و او سلطان عادل دیندار بود.^۱

برخی اقدامات خاندان مشعشعی در دوره حکومت علی بن محسن (فیاض) (۹۰۵-۹۱۴.ق.) موجب شد، شاه اسماعیل اول برای سرکوب آن‌ها در سال ۹۱۴.ق. رهسپار خوزستان شود. شاه اسماعیل اول در ادامه سفر جنگی خویش به دزفول رسید. بنا به گفته عبدی بیگ شیرازی (۹۹۸.ق.) حاکم آن‌جا، مولانا قوام‌الدین از خاندان رعناشی، همراه پسران خود به او پیوستند. شاه اسماعیل نیز، پسران مولانا قوام‌الدین را به امارت رساند.^۲ شیخ محمد به امارت دزفول (۹۱۴.ق.) و حاجی محمد (۹۱۴-۹۲۰.ق.) به حکومت شوشتر رسیدند.^۳ کشته شدن حاجی محمد در سال ۹۲۰.ق. به دست برادرزاده‌اش، خلیل‌الله و گسترش قدرت خلیل‌الله تا شوشتر موجب شد حکومت مشعشعی که در این زمان در اختیار سید بدران مشعشعی (۹۲۰-۹۴۶.ق.) بود، احساس خطر نماید. این شروعی برای منازعات مکرری میان خلیل‌الله رعناشی و سید بدرالدین مشعشعی شد.^۴

۱. جزایری شوشتری، تذکره شوشتر، ص ۱۱۱؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ص ۳۹۵.

۲. نویدی شیرازی، تکملة الاخبار، ص ۱۴۲.

۳. غفاری قزوینی، تاریخ جهان آرا، ص ۹۴.

۴. نویدی شیرازی، تکملة الاخبار، ص ۱۴۳؛ منوچهر پارسا دوست، شاه تهماسب اول، ص ۵۲۱؛

غفاری قزوینی، تاریخ جهان آرا، ص ۹۴.

۴. رقابت افشارها و روملوه‌ها در شوشتر عهد شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق.)

در دوره صفویان به خصوص از دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق.) حاکمانی از مرکز حکومت به شوشتر، حاکم‌نشین استان خوزستان فرستاده می‌شدند که تلاش می‌کردند، نیروهای شورشی و نافرمان را سرکوب کنند. درصد قابل توجهی از افرادی که به عنوان حاکم به شوشتر فرستاده می‌شدند، تُرک تباران افشار و روملو بودند. یکی از مهم‌ترین، طوایف افشار که در شوشتر در دوره صفوی حضور داشتند، طایفه گَنْدَزْلُو و اَرَشْلُو بودند که بخش‌هایی از این طایفه در محله بُلیتی شوشتر اقامت داشتند.

افشارها که یکی از قبایل با نفوذ و معتبر در بین قزلباشان بودند در شوشتر با همان مشکلی روبه‌رو شدند که در عهد صفویه، میان قزلباشان و تاجیکان در ایران بروز کرده بود و آن عبارت بود از رقابت و نزاع بین دو عنصر تاجیک و قزلباش که ساختار صفویه را دچار فرسودگی کرده بود.

نام حاکم	زمان حکومت	طایفه	مدت حکومت	ویژگی‌های حکومتی	تاریخ دقیق به وسیله نویسنده تذکره شوشتر / تاریخی که تقریبی است و تنظیم شده است.
۱. مهدی قلی سلطان ^۱	۹۳۲-۹۴۲ ه.ق.	افشاری	ده سال	علیه شاه طهماسب و قتل او به وسیله برادرش	نویسنده کتاب تذکره شوشتر تاریخ دقیق حکومت این حاکم را بیان کرده است.
۲. سوندک بیک	۹۴۲-۹۴۳ ه.ق.	افشاری	یک سال	برادر مهدی قلی سلطان	تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.
۳. کچل خان	۹۴۳-۹۴۵ ه.ق.	افشاری	دو سال		تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.
۴. حیدر قلی سلطان	۹۴۵-۹۴۸ ه.ق.	احتمالا افشاری	سه سال		تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.

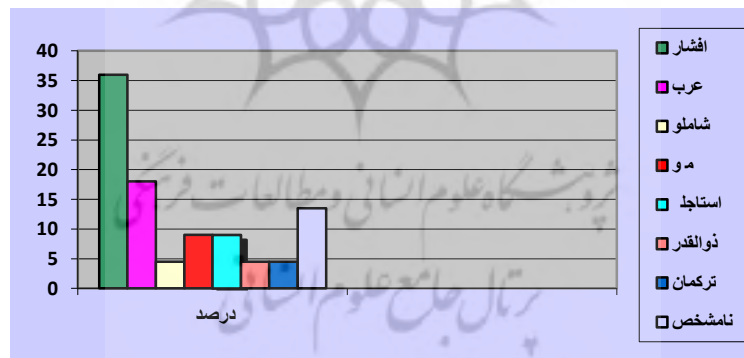
۱. اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۷۹۵؛ حسینی قمی، خلاصه التواریخ،

تذکره شوشتر در مورد سال‌های حکومتی این حاکم دچار ناهماهنگی است.	اولاد و املاکی در رامهرمز به یادگار داشته است.	احتمالا هشت سال	عرب	۹۴۸-۹۵۵ه.ق	۵. سید محمد
دقیق مشخص نیست، چون صاحب تذکره شوشتر اطلاعات جامعی نمی‌دهد.		سه سال	احتمالا افشاری	بین سال‌های ۹۴۸-۹۵۶ه.ق	۶. ابوالفتح سلطان
نویسنده کتاب تذکره شوشتر، تاریخ دقیق این حاکم را بیان کرده است.	شورش القاص میرزا، برادر شاه طهماسب در دوره این حاکم اتفاق افتاده است. او القاص میرزا را به شوشتر راه نداد و دروازه را بست.	چند ماه	نامشخص	۹۵۵ه.ق	۷. حسن بیگ
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		چهار سال	احتمالا عرب	۹۶۰-۹۵۶ه.ق	۸. سید بیگ ^۱
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		سه سال	أرشلو	۹۶۰-۹۶۳ه.ق	۹. رستم سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		دو سال	نامشخص	۹۶۳-۹۶۵ه.ق	۱۰. سیف بیگ
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		یک سال	ترکمان	۹۶۵-۹۶۶ه.ق	۱۱. امیرخان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		یک سال	احتمالا افشاری	۹۶۶-۹۶۷ه.ق	۱۲. قاسم علی سلطان ^۲
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		یک سال	ذوالقدر	۹۶۷-۹۶۸ه.ق	۱۳. منصورخان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	برادر خلیل خان افشار	سه سال	افشار	۹۶۸-۹۷۱ه.ق	۱۴. محمد سلطان

۱. واله قزوینی اصفهانی، خلد برین، ص ۶۴۴؛ جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۱۹.

۲. وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، ص ۱۵۶.

تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	دو سال	روملو	۹۷۱-۹۷۳ ه.ق.	۱۵. قوج بیگ
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	دو سال	روملو	۹۷۳-۹۷۵ ه.ق.	۱۶. محمد سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	یک سال	شاملو	۹۷۵-۹۷۶ ه.ق.	۱۷. حسین قلی
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	دو سال	عرب	۹۷۶-۹۷۸ ه.ق.	۱۸. سید جماز
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	یک سال	استاجلو	۹۷۸-۹۷۹ ه.ق.	۱۹. قیاس سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	یک سال	احتمالا عرب	۹۷۹-۹۸۰ ه.ق.	۲۰. عیسی خلیفه
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	دو سال	چاوشلو استاجلو	۹۸۰-۹۸۲ ه.ق.	۲۱. ایغوت سلطان ^۱
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	یک سال	نامشخص	۹۸۲-۹۸۳ ه.ق.	۲۲. میرزا علی بیگ ^۲



درصد آماری حاکمان شويستر در دوره شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۹۳۰ ه.ق.)

۱. وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، ص ۷۲؛ حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج ۲، ص ۶۶۵.

۲. جزایری، تذکره شويستر، ص ۱۱۹.

۵. رقابت خاندان سادات مرعشی و تلغری بر سر قدرت و مناصب محلی در شوشتر

در دوره شاه طهماسب اول

سادات تلغر به عبدالله، فرزند موسی بن جعفر علیه السلام منسوب هستند. سید احمد (به احتمال ۷۴۰ ه.ق.) از نخستین سادات تلغری در حدود سال ۷۲۶ ه.ق. از نجف به شوشتر آمد و اراضی عقیلی را از مالکان خریداری کرد.^۱ در دوره شاه طهماسب، املاک خاندان تلغری به وسیله میر اسدالله صدر مرعشی خریداری گردید و این املاک به خاندان سادات مرعشی منتقل شد.^۲ سپس در سال ۹۵۲ ه.ق. چشمه قیلارستان (قیر- نفت) از طرف شاه طهماسب اول به سید محمد تلغری واگذار شد.^۳ شایان توجه است که چاه‌های قیر (چشمه‌های قیر) در منطقه خوزستان تا دوره معاصر در اختیار این خاندان بوده است و مناطق مسجد سلیمان امروزی، لالی، اندیکا و هفت شهیدون از املاک این خاندان بوده است.^۴

۶. برآمدن مجدد افشارها در حکومت محلی شوشتر و سپس برافتادن آنان به دست

چرکس‌ها و خاندان جغتای

نام حاکم	زمان حکومت	طایفه	مدت حکومت	ویژگی‌های حکومتی	تاریخ دقیق به وسیله نویسنده تذکره شوشتر / تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.
۱. میرزا علی بیگ، ۵.	۹۸۲-۹۸۳ ه.ق.	نامشخص	یک سال		تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.

۱. همان، ص ۱۱۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۱۷.

۴. تحقیقات میدانی نویسنده.

۵. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۱۹.

صاحب تذکره شوستر، تاریخ حکومتی این حاکم را دقیق بیان کرده است.	پسر میر عبدالوهاب مرعشی	یک سال	مرعشی شوستری	۹۸۵-۹۸۶ ه.ق.	۲. میرزا رشیدالدین
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		چند روز	نامشخص	۹۸۶ ه.ق.	۳. دهدار سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		یک سال	گندزلو افشاری	۹۸۶-۹۸۷ ه.ق.	۴. شاهوردی سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	پسر خلیل خان افشار	سه سال	افشاری	۸۸۷-۹۹۰ ه.ق.	۵. علی سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		دو سال	افشاری	۹۹۰-۹۹۲ ه.ق.	۶. خسرو سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	به دست مراد جلودار باشی به قتل رسید.	هشت سال	گندزلو افشاری	۹۹۲-۱۰۰۲ ه.ق.	۷. شاهوردی سلطان
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.		چند روز	نامشخص	۱۰۰۲ ه.ق.	۸. مراد جلودارباشی
تاریخ تقریبی است و به وسیله نویسندگان تنظیم شده است.	نایب فرهاد خان	چند روز	نامشخص	۱۰۰۲ ه.ق.	۹. غیاث بیگ
تاریخ دقیق این وقایع به وسیله نویسنده کتاب تذکره شوستر آورده شده است.	به تحریک سادات و بزرگان شوستر، این شخص از هویزه وارد این شهر شد.	چند روز	مشعشی سادات	۱۰۰۲ ه.ق.	۱۰. سید مبارک خان
تاریخ دقیق این وقایع به وسیله نویسنده کتاب تذکره شوستر آورده شده است.	احداث روستای مهدی آباد، تجدید بنای آرامگاه امامزاده عبدالله، ساخت حمام زنانه، مسجد و دکان رنگ‌خانه	شش سال	شاملو	۱۰۰۲-۱۰۰۸ ه.ق.	۱۱. مهدی قلی خان ^۱

مهدی قلی خان شاملو، شش سال در میان سال‌های ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۸ ه.ق، حکومت شوشتر را بر عهده داشت. یکی از کارهای او، ساخت روستای مهدی آباد^۱ در نزدیکی شوشتر بود. همچنین، مقام امام‌زاده عبدالله و مقام براء بن مالک انصاری را در شوشتر مرمت و تعمیر نمود. او مسجد، حمام زنانه و دکان رنگ‌خانه را که هر سه در کنار هم و در نزدیکی سید محمد که آرامگاه او در بازار شوشتر است، وقف کرد.^۲

طرح بازار شوشتر به شکل جدید و ساختن مغازه‌های نو از دیگر کارهای او بود.^۳ هم‌چنین، مهدی قلی خان شاملو کاریزی احداث کرد که از بند میزان (ماهپارگان، مافاریون) به انتهای بازار وصل می‌شد، اما در دوره واخوشتی خان (۱۰۷۸-۱۰۴۲ ه.ق.) در ماجرای ورود مار بزرگ، این کاریز مسدود شد.^۴

در بین سال‌های ۱۰۰۸ تا ۱۰۳۸ ه.ق. خاندان جغتای در شوشتر به حکومت رسیدند. نخستین آن‌ها، محمد سلطان جغتای بود که دوازده سال از ۱۰۰۸ ه.ق. تا ۱۰۲۰ ه.ق. در شوشتر حاکم بود و بعد از او، برادرش، علی سلطان جغتای به قدرت رسید. یکی از اقدامات او، بنای پل خواجه شاه علی در نزدیکی امام‌زاده عبدالله بود. بعد از او، فرزند محمد سلطان جغتای که طهماسب سلطان نام داشت در رأس قدرت قرار گرفت. ساخت پل گرگر در زمان او به پایان رسید.^۵

۱. این روستا در مسیر جاده شوشتر به اهواز و در فاصله ۷ کیلومتری شوشتر قرار دارد.

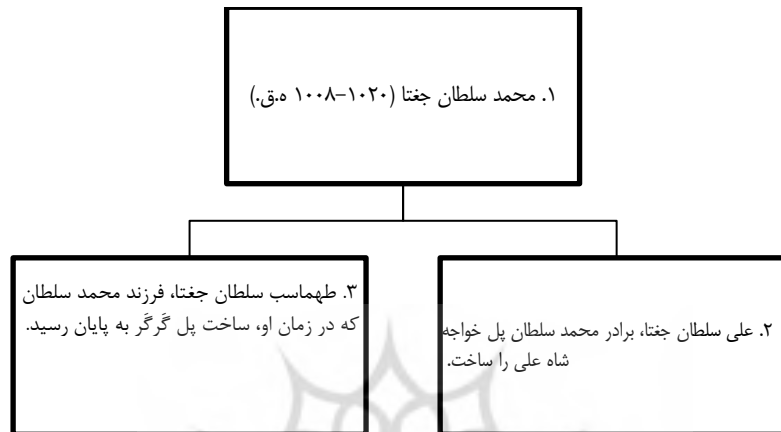
۲. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۳. بازار شوشتر به نام قیصریه از دوره شاه عباس اول تا دوره پهلوی وجود داشت که به دلایلی به دست شهرداری شوشتر تخریب شد و خیابان‌های شوشتر، کمی گسترش پیدا کرد.

۴. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۰.

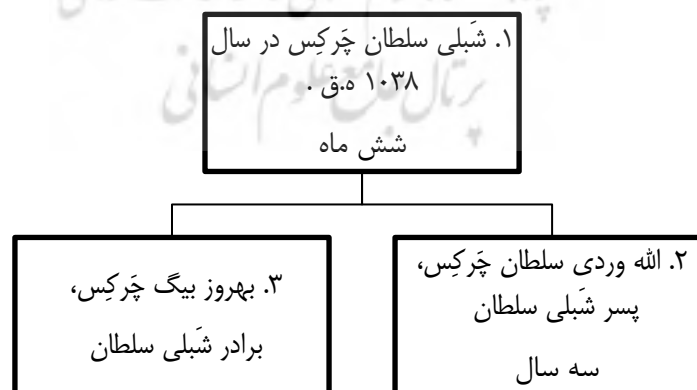
۵. همان.

حکومت خاندان جغتَا (۱۰۰۸-۱۰۳۸ ه.ق.) در شوستر



در سال ۱۰۳۸ ه.ق. شبلی سلطان چرکس، حاکم شوستر گردید، اما به علت بیماری بعد از شش ماه درگذشت. پسرش، الله ویردی سلطان چرکس، جانشین او شد، اما به سبب خردسالی، عمویش، بهروز بیگ چرکس به نیابت از او، سه سال قدرت را در اختیار داشت.

حکومت خاندان شبلی چرکس (۱۰۴۲-۱۰۳۸ ه.ق.) در شوستر



۷. ثبیت قدرت گرجیان به عنوان نیروی سوم جای‌گزین در حکومت محلی شوستر
 شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق.) برای کاهش قدرت و نزاع میان تاجیک‌ها و
 قزلباش‌ها، راه حلی اندیشید. او در این راه حل به ایجاد نیروی سومی متوسل شد که
 شامل چرکس‌ها، گرجی‌ها و آرامنه بود. آنان در زمان شاه طهماسب به ایران آورده شده
 بودند. بعدها به غلامان شاه معروف شدند و پس از پذیرش دین اسلام در سپاه یا
 بخش‌هایی از بیوتات سلطنتی اشتغال یافتند. نیروی سوم در دوره شاه عباس به تدریج
 اعتبار یافت و در دوره جانشینان شاه عباس استمرار یافت.^۱

پس از شاه عباس، نوه وی، سام میرزا که فرزند پسر ارشد او، محمدباقر بود و به نام
 صفی شناخته می‌شد، جانشین شاه عباس شد. سام میرزا در هنگام بر تخت نشستن، نام
 پدرش، صفی را بر خود نهاد. در دوره شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.) خاندان گرجی
 امامقلی خان و فرزندانش به قتل رسیدند؛ زیرا شاه صفی از جانب ایشان احساس خطر
 می‌کرد. امامقلی خان، فرزند سپه‌سالار شاه عباس، الله وردی خان بود. این اقدام شاه صفی
 نشان دهنده نفوذ بسیار گرجی‌ها به خصوص خاندان امامقلی خان در دوره صفویه بود که
 شاه صفی مجبور شد، دستور قتل آن‌ها را صادر کند.^۲

در دوره شاه صفی به قدری، نیروهای گرجی نفوذ پیدا کرده بود که حضور این نیروها
 در شهرهای خوزستان از جمله در شوستر محسوس است. از مشهورترین گرجی‌های
 شوستر، خاندان واخوشتی خان بودند که از غلامان خاصه شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.)
 به شمار می‌آمدند و به مقام بیگلربیگی رسیدند.^۳ در فرهنگ عامه شوستر، این خاندان به
 زیبایی مشهور بودند و محل سکونت آنان در نزدیکی قلعه سلاسل شوستر قرار داشت.

۱. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ص ۶۴.

۲. همان، ص ۲۲۸.

۳. حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۳۵۰.

۸. واخوستی خان (واخستوخان) گرجی (۱۰۷۸-۱۰۴۲.ق.)

خاندان واخوستی خان از سال ۱۰۴۲.ق. تا ۱۱۴۴.ق. در شوشتر حکومت کردند. به هنگام ورود واخوستی خان به شوشتر که مقام شش پَر قورچی داشت، بزرگان به خصوص خاندان جغتای که در این زمان نوروژ خان بیگ، بزرگ این خاندان بود و بعد از او حاجی میرزا قلی بیگ جغتای قرار داشت و سادات مرعشی، تلغری و غیره، علما و سرآمدان شوشتر برای خوش آمد گویی به استقبال واخوستی خان شتافتند.

در زمان او، حضور وابستگان، متعلقان و دلبستگان آن‌ها در شوشتر افزایش یافت که می‌توان به گرگین بیگ گرجی و ایلدرم بیگ چرکس اشاره کرد. از برادران واخوستی خان نیز باید به منصورخان و ذوالفقار خان اشاره کرد که ذوالفقار خان، بیگلربیگی قندهار را برعهده داشت. واخوستی خان در آبادانی و شکوفایی کشاورزی و باغبانی و بزرگداشت رعیت خویش، شهره بود. او برای آبادانی شوشتر به کاشت درخت و افزایش محصولات کشاورزی توجه می‌کرد.^۱

هم‌چنین، خواجه محمدتقی کلانتر به همراهی واخوستی خان، روستای نجف آباد^۲ را بنا نهاد و قلعه‌های پاپی، فیلی و افزونی را ساخت و در اسکان دادن رعایا در این مکان بسیار کوشید.^۳ صاحب تذکره شوشتر از شاعری به نام ملا کاسبی یاد می‌کند که از شاعران معاصر واخوستی خان در شوشتر بود و برای ساخت روستای نجف آباد^۴،

۱. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۳.
۲. اطلاعات دقیقی از این روستای تاریخی وجود ندارد، اما احتمال می‌رود در مسیر جاده شوشتر به اهواز بوده باشد. در روستای سه بُنه، یک تپه تاریخی وجود داشته است که مربوط به دوره صفویه بوده است و متأسفانه، این تپه تاریخی در سال‌های اخیر از بین رفته است.
۳. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۳.
۴. احتمال می‌رود که در نزدیکی روستای مهامید در چهل و نه کیلومتری شوشتر در مسیر جاده شوشتر به مسجد سلیمان است.

ماده تاریخی نوشت.^۱

اقداماتی که واخوستی خان در شوشتر انجام داد از چشم شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.) دور نماند و هنگامی که واخوستی خان بعد از بازگشت از قندهار به اصفهان رسید از طرف پادشاه صفوی، ترفیع مقام یافت و مانند سایر خوانین برای او، مواجب و مقرری تعیین شد.^۲

۹. جانشینان پس از واخوستی خان

۹-۱. فتحعلی خان (۱۱۰۶-۱۰۷۸ ه.ق.)

مدت حکومت واخوستی خان، سی و هفت سال بود. او پنج پسر داشت. فتحعلی بیگ، اسلمس بیگ (اصلان خان)، کلب علی بیگ، باداده بیگ، عباس بیگ از فرزندان واخوستی خان بودند.^۳ حکومت شوشتر پس از وفات واخوستی خان به پسرش، فتحعلی خان رسید. او از سال ۱۰۷۸ ه.ق. تا سال ۱۱۰۵ ه.ق. حکومت شوشتر را بر عهده داشت و مانند پدرش ارادت مند سادات، علما و مربی اهل کمال بود. اسلمس بیگ (اصلان خان) که به نیابت از فتحعلی خان (۱۰۷۸-۱۱۰۶ ه.ق.) کارگزار شوشتر شده بود، مقدم سید نعمت الله جزایری (۱۱۱۲ ه.ق.) را محترم شمرد و اسباب راحتی او را آن چنان که شایسته ارباب معرفت باشد، فراهم ساخت و خانه ای برای سید نعمت الله جزایری در نزدیکی مسجد جامع شوشتر انتخاب کرد.^۴

۱. علاوه بر واخوستی خان (۱۰۴۲-۱۰۷۸ ه.ق.) اطرافیاننش نیز به عمران و آبادی شوشتر توجه کردند. از جمله این افراد باید به وزیرش، حاجی محمد شریف پسر خواجه قاسم پسر خواجه علی اشاره کرد که به شکوفایی شوشتر می‌اندیشید (جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۷).

۲. حسینی منشی، ریاض الفردوس خانی، ص ۴۴۰؛ حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۳۵۰.

۳. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱.

۴. همان، ص ۱۲۹-۱۳۱؛ سید محمد جزایری، نابغه علم و حدیث، ص ۳۴-۳۸؛ سید علی اکبر مرعشی، شجره نامه خاندان سادات مرعشی، ص ۹۱؛ سید محمد امام اهوازی، تاریخ خوزستان، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ محمدباقر نیرومند، یادى از شوشتر، ص ۱۵۰-۱۵۱.

فتحعلی خان مانند پدرش به عمران و آبادی شوشتر توجه می‌کرد و آثار و بناهای زیادی ایجاد کرد. او شاه آباد^۱، علی آباد^۲، دولت آباد^۳، فتح آباد^۴، باغ‌های عقیلی^۵، بند ماهی بازان^۶، عمارت حسام آباد^۷ و حمام‌خان^۸ را بنا کرد. همچنین، بیشتر عمارت‌های قلعه سلاسل^۹ و پل قیصر (شادروان)^{۱۰} را که خراب شده بود، تجدید بنا کرد.^{۱۱} او در مدتی که

۱. امروزه در ده کیلومتری دزفول در مسیر جاده دزفول به شوشتر قرار دارد.
۲. اطلاعات دقیقی از این روستا وجود ندارد.
۳. در روستای سه بُنه شوشتر در مسیر جاده شوشتر به اهواز، یک تپه تاریخی وجود داشته است که مربوط به دوره صفویه بوده است و به احتمال، همان دولت آباد بوده است.
۴. اطلاعات دقیقی از این روستا وجود ندارد.
۵. امروزه یکی از بخش‌های شهرستان گتوند محسوب می‌شود و در فاصله حدود بیست کیلومتری شوشتر قرار دارد.
۶. نزدیک شهرک اندیشه در مسیر جاده شوشتر به اهواز قرار دارد و از بناهای دوره شاپور اول ساسانی (۲۴۰-۲۷۰ م.) محسوب می‌شود که با دیگر سازه‌های آبی شوشتر، ثبت جهانی شده است. فتحعلی خان گرجی (۱۰۷۸-۱۱۰۶ ه.ق.) این بند را تعمیر کرده است.
۷. امروزه در پانزده کیلومتری مسیر جاده شوشتر به اهواز قرار دارد و هم‌چنان، قابل سکونت است.
۸. در شوشتر، انتهای خیابان امام، بالا دست رودخانه گرگر قرار دارد که امروزه به شکل مخروطیه در آمده است.
۹. دژ مستحکمی است که در مرکز شهر قرار دارد و در گذشته دارای قورخانه، برج‌ها، تقارخانه، حصار و خندق بوده است. به احتمال در دوره ساسانی یا قبل‌تر در دوره هخامنشی ساخته شده است. فتحعلی خان گرجی (۱۰۷۸-۱۱۰۶ ه.ق.) این قلعه را تعمیر کرده است.
۱۰. پل شادروان یا قیصر در شوشتر از بناهای دوره شاپور اول ساسانی (۲۴۰-۲۷۰ م.) محسوب می‌شود که با دیگر سازه‌های آبی شوشتر ثبت جهانی شده است. این پل در گذشته دارای چهل و چهار دهنه بوده است و فردوسی در شاهنامه درباره چگونگی ساخت این پل حکایتی آورده است.
۱۱. کسروی، تاریخ پانصد ساله خوزستان، ص ۹۱.

حاکم شوشتر بود تلاش کرد قنوات گلوگرد^۱ و اراضی جو بند^۲ را از گل و لای تصفیه سازد، اما کوشش وی بی ثمر بود. خاندان سادات مرعشی و سادات جزایری مورد احترام فتحعلی خان بودند.^۳

۲-۹. کلبعلی خان (۱۱۰۶-۱۱۱۱ ق.م.)

در زمان حکومت کلبعلی خان در شوشتر (حدود. ۱۱۰۶-۱۱۱۱ ق.م.) سیلابی اتفاق افتاد که در پی آن، باغ‌ها و محصولات کشاورزی شوشتر ویران شد. این طغیان، مقدمه ویرانی شوشتر بود؛ زیرا قسمت‌هایی از بند میزان^۴ و بند مقام علی علیه السلام^۵ خراب گشت و ویرانی^۶ بسیاری به بار آورد.^۷

۱. یکی سری قنات بوده‌اند که قدمت آن‌ها به دوره ساسانیان می‌رسد.

۲. بلوک دیچه در قدیم به جو بند معروف بود و در غرب شهرستان شوشتر و جنوب شهرستان گتوند واقع است.

۳. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۳۲-۱۴۰؛ کسروی، تاریخ پانصد ساله خوزستان، ص ۷۹.

۴. در مرکز شهرستان شوشتر قرار دارد و رودخانه کارون را در این شهرستان به دو بخش گرگر (دو دانگه)، و شییطیط (چهاردانگه) تقسیم می‌کند. این اثر از بناهای دوره شاپور اول ساسانی (۲۷۰-۲۴۰ م.) محسوب می‌شود که با دیگر سازه‌های آبی شوشتر ثبت جهانی شده است.
۵. در نزدیکی آبشارهای تاریخی شوشتر که با دیگر سازه‌های آبی شوشتر ثبت جهانی شده است، قدمگاهی وجود دارد که آن را به امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام منسوب می‌کنند و هر سال، روز عید غدیر و شهادت امام علی علیه السلام در این قدمگاه گرامی داشته می‌شود. بند مقام علی علیه السلام در نزدیکی این قدمگاه قرار دارد.

۶. هم اکنون، باغ خان در امتداد رودخانه گرگر بعد از آبشارهای شوشتر قرار دارد که یکی از باغ‌های تاریخی این شهر محسوب می‌شود و حداقل به دوره قاجاریه می‌رسد.

۷. کسروی، تاریخ پانصد ساله خوزستان، ص ۹۵-۹۷.

منابع عصر صفوی درباره حکومت اصلان‌خان در ولایت قندهار، جزئیات چندانی بازگو نمی‌کنند. انتخاب اصلان‌خان به ولایت قندهار در سال ۱۱۰۶ ه.ق. بوده است و او در سال ۱۱۱۴ ه.ق. حاکم کهگیلویه شد. اصلان‌خان برای رسیدن به کهگیلویه به شوشتر آمد و در باغ خواجه نزول کرد.

عبدالله پسر اصلان‌خان، مردی بخشنده و عیاش بود، اما مهر پدر به دل داشت و پیوسته به دیدارش می‌شتافت. چنان که سفرش به کهگیلویه در جهت دیدار پدر بود و هنگامی که اصلان‌خان، حکومت استرآباد را در دست گرفت، پسرش به دیدارش شتافت. هم‌چنین، پسر دیگر اصلان‌خان، محمدعلی بیگ (خان) نایب الدوله شوشتر بود. درگذشت اصلان‌خان در سال ۱۱۲۱ ه.ق. در استرآباد رخ داد.^۱

۳-۹. عیسی خان و عبدالله خان (۱۱۲۴-۱۱۱۱ ه.ق.)

حکومت شوشتر از سال ۱۱۱۱ تا ۱۱۱۳ ه.ق. در دست عیسی خان پسر ذوالفقار خان، برادر واخوشتی خان بود. او که مردی رعیت پرور بود به عمارت شوشتر و بزرگ‌داشت ضعفا علاقه زیادی داشت، اما مدت حکمرانی او کوتاه بود. در سال ۱۱۱۳ ه.ق، عبدالله خان پسر اصلان‌خان، پسر واخوشتی خان حاکم شوشتر شد و مدت یازده سال بر شوشتر حکومت کرد.

۴-۹. بیژن خان و مهرعلی خان (۱۱۲۴-۱۱۳۲ ه.ق.)

بیژن خان پسر فضلعلی بیگ پسر فتحعلی خان در سال ۱۱۲۴ ه.ق. به قدرت رسید، اما بعد از دو سال در ۱۱۲۶ ه.ق. بر کنار شد. بعد از او، مهرعلی خان پسر کلبعلی خان در ۱۱۲۹ ه.ق. حاکم شوشتر شد و حاجی محمد خان برادر او، نایب الدوله بود. این انتصاب، چندان دوام نیاورد و عبدالله خان دوباره حاکم شد. این تغییر و تحولات، ضعف حکومت گرجیان شوشتر و به خصوص عبدالله خان را نشان می‌دهد.

۱. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۴۱-۱۴۲.

نام حاکم	تاریخ	سال	خاندان گرجی واخوستی خان	نسبت با واخوستی خان
۱. واخوستی خان	۱۰۴۲-۱۰۷۸ ه.ق.	۳۷		بنیان گذار
۲. فتح علی خان	۱۱۰۶-۱۱۰۶ ه.ق.	۲۸	واخوستی خان	پسر بزرگ او
۳. کلب علی خان	۱۱۰۶-۱۱۱۱ ه.ق.	۵	واخوستی خان	پسر او
۴. عیسی خان	۱۱۱۱-۱۱۱۳ ه.ق.	۲	واخوستی خان	پسر ذوالفقار خان، برادر او
۵. عبدالله خان	۱۱۱۳-۱۱۲۴ ه.ق.	۹	واخوستی خان	پسر اصلانخان، نوه واخوستی خان
۶. بیژن خان	۱۱۲۴-۱۱۲۶ ه.ق.	۲	واخوستی خان	پسر فضلی خان پسر فتح علی خان، نتیجه واخوستی خان
۷. مهر علی خان	۱۱۲۶-۱۱۲۹ ه.ق.	۳	واخوستی خان	پسر کلب علی خان، نوه واخوستی خان

۱۰. خاندان گرگین بیگ گرجی

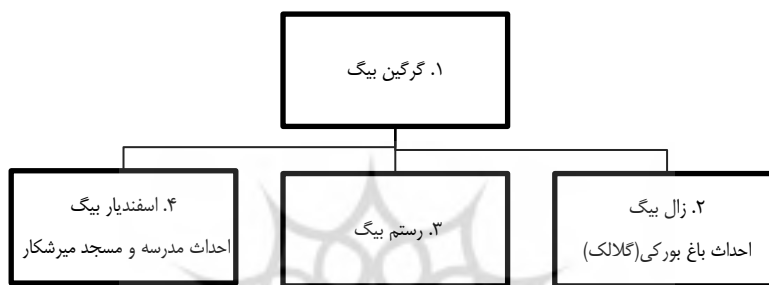
در مورد خاندان واخوستی خان توضیحاتی ارائه شد، اما درباره خاندان گرگین بیگ گرجی و ایلدرم بیگ چرکس باید اشاره شود که سه گانه قدرت را در شوشتر تشکیل می دادند. از ابتدای ورود واخوستی خان، گرگین بیگ هم وارد شوشتر شد و مقام میرشکار از طرف واخوستی خان به او اعطا شد. آن ها مقام میر شکار را تا آخر دوره صفوی در اختیار داشتند. جزایری درباره شجره نامه خاندان گرگین بیگ گرجی می نویسد:

گرگین بیگ سپس فرزندش زال بیگ که باغ بُورکی^۱ (گالاک) از آثار

۱. در سه کیلومتری جنوب شوشتر و در نزدیکی شهر باستانی دستوا قرار دارد که این محل باستانی مربوط به دوره الیمایید در دوره اشکانی می شود. نام روستای گالاک به شهرک نورمحمدی تغییر کرده است.

اوست پس از او، رستم بیگ و بعد از اسفندیار بیگ قرار داشت که مسجد و مدرسه میرشکار^۱ را ساخت و وقف عام نمود. اسفندیار بیگ مدتی حاکم شوشتر هم شد و در سال ۱۰۴۳ ه.ق. وفات کرد.^۲

خاندان گُریگین بیگ گرجی



۱۱. خاندان ایلدرُم بیگ چَرکِس

خاندان ایلدرُم بیگ چَرکِس از وابستگان و متعلقان خاندان واخوشتی خان بود که همراه او وارد شوشتر شد. جزایری درباره شجره نامه این خاندان می‌نویسد:

ایلدرُم بیگ سپس فرزندش عباسقلی بیگ اول و پس از او مرتضی قلی بیگ و سرانجام عباسقلی بیگ دوم قرار داشتند. عباسقلی بیگ در پایان دوره صفوی و آغازین سال‌های افشاریه مأمور مالیات شوشتر بوده است.^۳

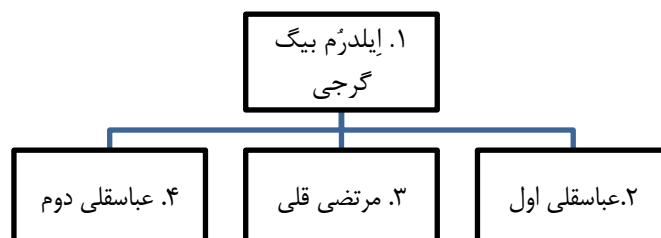
نبردهای خونین میان سه خاندان واخوشتی خان گرجی، گُریگین بیگ گرجی و ایلدرُم بیگ چَرکِس در شوشتر و در دزفول در پایان دوره صفوی و آغاز دوره افشاریه، قابل تأمل است.

۱. در خیابان امام خمینی شهرستان شوشتر، نزدیک پایانه مسافری این شهرستان قرار دارد.

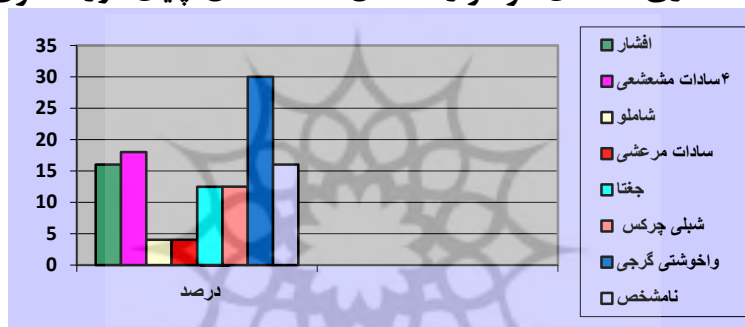
۲. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۳۵، ۱۴۳.

۳. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۳۵-۱۴۳.

خاندان ایلدرُم بیگ چرکس



۱۲. درصد آماری حاکمان شوشتر از ۵۹۸۵ ق. تا ۱۳۵ ه. ق. پایان دوره صفوی



۱۳. طولانی ترین و کوتاه ترین حکومت های محلی شوشتر در عصر صفویه

مدت حکومت	حاکمان
طولانی ترین حکومت محلی شوشتر، ۳۷ سال	۱. واخوشتی خان (۱۰۴۲-۱۰۷۸ ه. ق.)
۲۸ سال	۲. فتحعلی خان، پسر واخوشتی خان (۱۰۷۸-۱۱۰۶ ه. ق.)
۱۲ سال	۳. محمد سلطان چغتای (۱۰۰۸-۱۰۲۰ ه. ق.)
۱۰ سال	۴. مهدیقلی سلطان افشار (۹۳۲-۹۴۲ ه. ق.)
۸ سال	۵. شاهوردی خان افشار (۹۹۴-۱۰۰۲ ه. ق.)
این سه حاکم فقط در چند روز حاکم بودند.	۸. مراد جلودار باشی، غیاث بیگ، سید مبارک خان

۱۴. اوضاع اجتماعی و اداری شوشتر در دوره صفوی

۱۴-۱. منصب خان و سلطان

خان یکی از چهار مقامی بود که خارج از پایتخت صفویه که در اصطلاح دولت‌خانه نامیده می‌شد، عهده‌دار مدیریت ولایات بودند. به عبارت بهتر، بعد از مقام والی، بیگلر بیگی و سلطان، خان قرار داشت. این مقامی بود که از طرف شاه برای اداره یک ناحیه واگذار می‌شد و تنها زیر نظر شاه، انجام وظیفه می‌کرد و فقط به او پاسخ‌گو بود.^۱ منطقه تحت حکومت یک خان به چند ناحیه تقسیم می‌شد.

خان‌های معروف شوشتر، امیرخان ترکمان (۹۶۵-۹۶۶ ه.ق.) و مهدیقلی خان شاملو (۱۰۰۲-۱۰۰۸ ه.ق.) بودند. هم‌چنین، واخوشتی خان گرجی (۱۰۴۲-۱۰۷۸ ه.ق.)، فتحعلی خان پسر واخوشتی خان (۱۱۰۵-۱۰۷۸ ه.ق.)، کلبعلی خان پسر واخوشتی خان (۱۱۰۶-۱۱۱۱ ه.ق.)، عیسی خان (۱۱۱۱-۱۱۱۳ ه.ق.)، عبدالله خان (۱۱۱۳-۱۱۲۵ ه.ق.) و بیژن خان (بیجن خان) پسر فضلعلی بیگ پسر فتحعلی خان پسر واخوشتی خان از خان‌های سرشناس گرجیان شوشتر بودند. در دوره صفوی، خان‌های مهم در شوشتر، اقدامات مهمی انجام دادند.

برای مثال از اقدامات مهدیقلی خان شاملو (۱۰۰۲-۱۰۰۸ ه.ق.) احداث بازار قیصریه، تعمیر و مرمت مقام‌های امام‌زاده عبدالله و براء بن مالک و احداث روستای مهدی آباد در اطراف شوشتر بود.^۲ در شوشتر از دوره شاه طهماسب اول تا پایان دوره شاه عباس اول (۹۳۲-۱۰۳۸ ه.ق.) حدود چهل نفر به عنوان حاکم محلی به قدرت رسیدند که بیشتر آن‌ها، منصب سلطان داشتند.

۱. کریم نجفی برزگر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۲۵۹.

۲. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۲-۱۴. منصب قولر آقاسی

قوللرها نیروهایی بودند که از گرجی‌ها، چرکس‌ها، ارمنی‌ها و قفقازی‌ها تشکیل می‌شدند. به صورت سواره نظام بودند و به جای نیزه، تفنگ داشتند. آن‌ها، افراد بی باک و پر جرأت محسوب می‌شدند. شاهان صفوی، عنایت ویژه‌ای به قوللرها داشتند. تعداد آن‌ها، دوازده هزار نفر بود و فرمانده آن‌ها، قوللر آقاسی (آقاسی) نامیده می‌شد. او بعد از قورچی باشی، عمده‌ترین امرا و ارکان دولت صفوی بود. اعطای تیول و حقوق سالیانه غلامان با تأیید او صورت می‌گرفت. ارتقای درجات نظامی از قبیل یوزباشی^۱ و مین باشی^۲ تحت نظر او انجام می‌شد.^۳

۳-۱۴. منصب قورچی باشی

فرمانده قورچیان (سواران قزلباش) و بالاترین مقام، پس از سپه‌سالار بود. وظیفه قورچی باشی در دوره متقدم حکومت صفوی به طور کامل مشخص نیست. اقتدار قورچی باشی به عنوان فرمانده قورچی یا سواره نظام قبیله‌ای قزلباش با آنچه که از وظایف امیرالامرا بود تداخل داشت، اما از حدود ۹۴۰-۹۴۱ ه.ق. از قدرت امیرالامرا کاسته شد و در مقابل بر قدرت قورچی باشی افزوده شد.^۴ سال‌های ۹۵۵ تا ۹۹۵ ه.ق. را می‌توان به عنوان اوج اقتدار قورچی باشی در دوره صفویه نام برد. بیشتر قورچی باشی‌های این دوره از خاندان افشار بودند.^۵

۱. در دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق.) فرمانده صد سرباز را یوز باشی می‌گفتند.

۲. در دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق.) فرمانده ده سرباز را مین باشی می‌گفتند.

۳. کریم نجفی برزگر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۴. همان، صفویه، ص ۲۶۷.

۵. عبدالحسین نوایی و عباسقلی غفار فرد، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۴-۱۴. منصب قولر آقاسی

در زمان شاه سلطان حسین (۱۱۰۶-۱۱۳۵ ه.ق.)، اصلانخان (اسلمس بیگ) پسر واخوشتی خان که منصب قولر آقاسی (رئیس غلامان خاصه) را برعهده داشت به شهر قندهار فرستادند و فتحعلی خان گرجی (۱۰۷۸-۱۱۰۶ ه.ق.) را به اصفهان پایتخت صفوی فرا خواندند. هم‌چنین، حکومت شوشتر را به برادر دیگر او، کلبعلی خان (۱۱۰۶-۱۱۱۱ ه.ق.) تفویض کردند و او در جمادی الثانی (۱۱۰۶ ه.ق.) وارد شوشتر شد.^۱

۵-۱۴. منصب کلانتر

کلانتر رابط بین داروغه و مقامات بالاتر و مردم عادی بود. کلانتر وظیفه دفاع از حقوق مردم در مقابل دولتیان، تقسیم کارهای تکلیف شده از طرف مقامات به صورت عادلانه در بین مردم و وصول مالیات از مردم را بر عهده داشت.^۲

در دوره حکومت مهدی قلی خان شاملو (۱۰۰۲-۱۰۰۸ ه.ق.) در شوشتر، مقام کلانتر را خواجه عزیز و پس از او، خواجه محمد تقی بن حافظ بن شمس الدین بر عهده داشتند. این مقام در عهد واخوشتی خان (۱۰۴۲-۱۰۷۸ ه.ق.) در دست حاجی محمدتقی کلانتر بود که فردی سخاوتمند و نیک سرشت بود. در زمان واخوشتی خان، سید رشیدالدین دزفولی خوش‌نویس به شوشتر آمد و خانه و املاک ساخت. فرزند او، سید خلف، داماد حاجی محمد تقی کلانتر شد و به این ترتیب، بعد از وفات پسران حاجی محمدتقی، منصب موروثی کلانتری به سید صادق، فرزند سیدخلف رسید. و بعد به سید نعمت‌الله پسر سید محمدصادق و بعد از او به سید محمدحسین رسید.^۳

۱. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۴۱.

۲. کریم نجفی برزگر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۲۶۰.

۳. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۰-۱۲۱، ۱۲۸-۱۳۰.

۶-۱۴. منصب کدخدایی

در متون تاریخی و ادبی مختلف برای واژه کدخدا، معانی متفاوتی هم‌چون دانا، رئیس خانه و مرد خانه، معتمد و رئیس هر یک از محلات شهر و متصدی امور روستا بیان شده است. تصویب منصب کدخدایان محلات و رؤسای اصناف بر عهده کلانتر بود.^۱

در دوره حکومت مهدیقلی خان شاملو (۱۰۰۲-۱۰۰۸ ه.ق.) منصب کدخدایی را خواجه نجم‌الدین بر عهده داشت. در دوره فتحعلی خان گرجی (۱۰۷۸-۱۱۰۶ ه.ق.)، حاجی زمان، حاجی عنایت‌الله و حاجی رضا پسر حاجی عنایت‌الله منصب کدخدایی را بر عهده داشتند. مسجد عبدالله بانو از آثار حاجی رضا است. دیگر کدخدایان شوشتر در این دوره، حاجی عبدالنبی پسر خواجه عزیز کلانتر، حاجی صالح عراقی و حاجی عبدالله قپانچی بودند که آسیاب بند ماهی بازان از آثار وقفی حاجی عبدالله قپانچی است.^۲

۷-۱۴. منصب میرشکار

در دوره صفوی، منصب میرشکار از مناصب درجه دوم محسوب می‌شد که بیشتر از دویست عضو داشت. آنان مأمور نگاهداری مرغان شکاری، مانند قوش بودند. از مرغان شکاری برای صید درنا، غاز و اردک استفاده می‌شد. میرشکار از امرای مهم صفویان بود که همه مسئولان امر شکار، تابع او بودند و پرداخت حقوق و مواجب ایشان با تأیید امیر شکار باشی و وزیر اعظم صورت می‌گرفت.^۳ وظیفه کلی میرشکار باشی، تنظیم امور شکار و نظارت بر کلیه ابزار و ادوات شکار بود.^۴

۱. کریم نجفی برزگر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۳۱.

۲. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۰-۱۲۱، ۱۴۰.

۳. عبدالحسین نوایی و عباسقلی غفارفر، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، ص ۳۲۲.

۴. رضا دریکوندی و مصطفی ندیم، «تحلیل و بررسی جایگاه شکار سلطنتی و کارکردهای متنوع آن در عصر صفوی»، تاریخ اجتماعی-اقتصادی، س ۸، ش ۱، ص ۷۶.

در این دوره، طهماسب بیگ مدتی میرشکار باشی بود و پس از او، این مقام در اختیار خاندان گرگین بیگ گرجی قرار گرفت.^۱ از ابتدای ورود واخوستی خان (۱۰۴۲.ه.ق.)، گرگین بیگ وارد شوشتر شد و مقام میرشکار از طرف واخوستی خان به او اعطا شد. خاندان گرگین بیگ گرجی، مقام میر شکاری را تا آخر دوره صفوی (۱۱۳۵.ه.ق.) در اختیار داشتند. جزایری در تذکره شوشتر درباره شجره نامه خاندان گرگین بیگ گرجی می‌نویسد:

گرگین بیگ سپس فرزندش زال بیگ که باغ بُورگی (گِلاک) از آثار اوست پس از او، رستم بیگ و بعد از اسفندیار بیگ قرار داشت.^۲

۸-۱۴. منصب شیخ الاسلامی

شیخ الاسلام از مقامات مهم دینی بود که از سوی صدر و با تصویب شاه منصوب می‌شد. او در مورد مسائل دینی و دعاوی حقوق مدنی بر مبنای فقه شیعی دوازده امامی حکم می‌داد. عالم تراز اول و بزرگ‌ترین منصب امور شرعی و مدنی محسوب می‌شد. شیخ الاسلام پایتخت برای برخی شهرها، شیخ الاسلام انتخاب می‌کرد. کار مهم شیخ الاسلام، امر به معروف و نهی از منکر بود.^۳ شیخ الاسلام دوره واخوستی خان، شیخ عبداللطیف جامعی جبل عاملی بود که در سال ۱۰۵۰.ه.ق. وفات کرد و با ورود سید نعمت الله جزایری در سال ۱۰۷۹.ه.ق، منصب شیخ الاسلامی به او واگذار گردید.^۴

۱ جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ سیدمحمد امام اهوازی، تاریخ خوزستان، ص ۳۵۱، ۳۵۲.

۲. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۳۵، ۱۴۳.

۳. کریم نجفی برزگر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۱۵.

۴. جزایری، تذکره شوشتر، ص ۱۲۳-۱۲۴، ۱۲۸-۱۳۰، ۱۳۳.

۱۵. نتیجه

شوشتر در دوره صفوی، عصر مهمی را سپری کرد. در این دوره، شوشتر جایگاه ممتازی در خوزستان کسب کرد و از دو سو مورد توجه بود. هم مورد توجه ویژه پادشاهان صفوی بود و هم حاکمان محلی آن، اهتمام خاصی به رشد این شهر داشتند. بیشتر حاکمان محلی شوشتر در این دوره از خاندان‌های متنفذ عهد صفوی بودند و به رونق و پیشرفت شوشتر توجه داشتند.

ساختار این شهر، مانند ساختار پایتخت صفویان، اما در ابعاد کوچک‌تر بود. در این دوران، پل‌هایی هم‌چون پل خواجه شاه علی و پل گرگر و بندهایی هم‌چون بند میزان، بند شادروان و بند ماهی‌بازان مرمت و بازسازی شدند. روستاهای جدیدی مانند مهدی آباد، نجف آباد، شاه آباد، فتح آباد، دولت آباد، علی آباد و خلف آباد ساخته شدند. مساجد، مدارس و کتابخانه‌های جدیدی بنا شدند. باغ‌هایی هم‌چون باغ خواجه، باغ شاه، باغ خان عقیلی و باغ میر سیدعلی مرعشی احداث شدند و بسیاری از آرامگاه‌های بزرگان شوشتر، مانند براء بن مالک انصاری و امامزاده عبدالله تعمیر و مرمت گردیدند.

در دوره صفوی، خاندان‌های مختلفی از قزلباش‌های افشار (گندزلو، آرسلو)، روملو، شاملو، استاجلو، ذوالقدر و ترکمان قدرت سیاسی و نظامی شوشتر را در اختیار داشتند. خاندان خغتاً در دوره شاه عباس اول و خاندان سلطان چرکس در پایان دوره شاه عباس اول و آغاز دوره شاه صفی به عنوان حاکمان محلی شوشتر انتخاب شدند. در دوره شاه صفی با ورود خاندان گرجی واخوستی خان، قدرت سیاسی شوشتر در حدود صد و دو سال از ۱۰۴۲ تا ۱۱۴۴ ه.ق. در اختیار این خاندان گرجی قرار گرفت. حضور این خاندان‌های بانفوذ و معتبر در شوشتر، جایگاه خاص این شهر را در دوره صفوی نشان می‌دهد.

در زمینه مذهبی، خاندان مرعشی تأثیر ژرفی بر شوشتر گذاشتند؛ زیرا با اقدامات خود سبب تحول مذهبی در شوشتر شدند و شوشتریان از سنت به تشیع گرویدند. این تحول پیش از آمدن شاه اسماعیل اول به شوشتر اتفاق افتاد. خاندان مرعشی، مقام‌های صدر و

قاضی عسکر را در دوره شاه طهماسب اول بر عهده داشتند و در سال ۹۸۵ ه.ق. قدرت سیاسی و نظامی شوشتر را در اختیار گرفتند. بعدها، این خاندان تبدیل به قدرتی محلی شدند.

هم‌چنین، سادات تلغری در ابتدا به امور مذهبی مشغول بودند که به بزرگ‌ترین آن‌ها، سید حسین در منطقه امامزاده عبدالله و سید قطب الدین در محله عبدالله بانویه می‌توان اشاره کرد، اما با واگذاری چشمه قیلارستان به آن‌ها به وسیله شاه طهماسب اول در سال ۹۵۲ ه.ق، سادات تلغری بیشتر به امور اقتصادی پرداختند.



منابع

۱. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
۲. امام اهوازی، سیدمحمد علی، تاریخ خوزستان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳. ادیسی آریمی، مهری، فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفوی، تهران: پیام نور، ۱۳۹۴.
۴. پارسا دوست، منوچهر، شاه تهماسب اول، تهران: سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
۵. ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۶. تقی زاده، محمد، شوشتر در گذر زمان، تهران: بشیر علم و ادب، ۱۳۸۱.
۷. جزایری شوشتری، سید عبدالله، تذکره شوشتر، تصحیح مهدی کدخدای طراحی، اهواز: ترآوا، ۱۳۸۸.
۸. جزایری، سید محمد، شجره مبارکه، اهواز: نگارین، بی تا.
۹. _____، نابغه فقه و حدیث سید نعمت الله جزایری، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۷۶.
۱۰. حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۱۱. حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۱۲. دریکوندی، رضا و ندیم، مصطفی، «تحلیل و بررسی جایگاه شکار سلطنتی و کارکردهای متنوع آن در عصر صفوی»، تاریخ اجتماعی-اقتصادی، ۱۳۹۸، سال ۸، شماره ۱.
۱۳. سام میزا صفوی، تحفه سامی، تصحیح وحید دستگردی، تهران: فروغی، ۱۳۵۲.
۱۴. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۸.
۱۵. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۱.
۱۶. شوشتری مرعشی الحسینی، علاء الملک، فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تصحیح میرجلال الدین ارموی محدث، تهران: چاپخانه بهمن، ۱۳۵۲.
۱۷. شوشتری، میرعبداللطیف خان، تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران: کتابخانه‌ی طهوری، ۱۳۶۳.

۱۸. کسروی، احمد، *تاریخ پانصد ساله خوزستان*، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۹.
۱۹. کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
۲۰. غفاری قزوینی، قاضی احمد، *تاریخ جهان آرا*، تصحیح حسن نراق، تهران: حافظ، ۱۳۵۳.
۲۱. مرید شوشتری، اکرم، *شوشتر یعنی خویتر*، اهواز: تر آوا، ۱۳۹۳.
۲۲. مرعشی، علی‌اکبر، *شجره خاندان مرعشی*، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۵.
۲۳. نائینی، محمدجعفر بن محمد حسین، *جامع جعفری*، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
۲۴. نصیری، محمدابراهیم بن زین العابدین، *دستور شهریاران*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.
۲۵. نیرومند، محمدباقر، *یادی از شوشتر*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.
۲۶. نویدی شیرازی، عبدی بیگ، *تکلمه الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران: نی، ۱۳۶۹.
۲۷. نوایی، عبدالحسین، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲۸. نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی، *تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲۹. نجفی برزگر، کریم، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه*، تهران: پیام نور، ۱۳۹۳.
۳۰. واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، *خلد برین*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
۳۱. وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.